

رئیس اگر حاضر شد جزء دستور میگذاریم.

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب بنده خواستم عرض کنم که در نظامنامه برای این ذکری نمی‌گفتند و حقیقتاً نمیدانم مجلس در این باب چه تصمیمی خواهد گرفت برای این که وقتی که زنک زده میشود آقایان نمی‌آیند و بنده خود نمیدانم که این چه ترتیب است.

جماعتی از آقایان می‌آیند در مجلس می‌نشینند و جماعتی نمی‌آیند امتیاز نفت مطرح است که مبتلا به تمام ملت ایران است من نمی‌دانم در این باب چه باید کرد وجه تصمیمی اتخاذ کرد کلام بنده بیش از این نیست و بیان حقیقت است و هم‌اکنون نمایندگان و تماشاچی می‌آیند در این گرما اینجا می‌نشینند و عده از نمایندگان نمی‌آیند تکلیف ما چیست؟ آخر چه باید کرد؟

خوبست يك ماده بمجلس پیشنهاد شود وقتی که زنک زده شد آقایان بیایند اگر نیایند جریمه شوند و يك چیزی باشد که ما ملتزم بآن بشویم این است هرايش بنده بدون اینکه نظری بهیچکس داشته باشم.

رئیس - خوب حالا هم اگر بخواهید تکلیفی معین کنید عده‌تان کافی نیست.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

موتمن الملك

منشی معظم السلطان

م. شهاب

جلسه ۴۰

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه ۱۳۰۳

۱۳۰۳ برابر بیست و یکم ذی حجه سنه ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۹)

سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند.

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای ناصر الاسلام بیست و دو از بیست و چهارم سرطان را برای استعلاج مزاج تقاضای مرخصی کرده اند کمیسیون هم تصویب کرده است باید رای گرفته شود.

آقایانیکه مرخصی بیست و دو روز ایشان را از ۲۴ سرطان را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اقلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد.

آقای ملک الشمره .

(اجازه)

ملك الشمره - در چند جلسه قبل آقای وزیر امور خارجه آمدند اینجا پشت تریبون و با ذکر مقدماتی تصمیم هیئت دولت را راجع با اعلان حکومت نظامی بمجلس مقدس اظهار داشتند و از طرف وکیل اقلیت آقای مدرس اظهاراتی در آن موضوع می‌بایستی می‌شد و تقاضای مذاکره هم کردند ولی قضایائی پیش آمد کرد که مجال نشد چیزی از طرف اقلیت عرض شود در ظرف این یک دوروزه در نتیجه نگرانی هائی که اقلیت از اعلان حکومت نظامی داشت .

قضایائی مشاهده شد که بالاخره اقلیت مجلس را اودار باین کرد که در این موضوع در مجلس صحبت بکنند يك نکته را قبلاً اشاره کنم که بعد در سایر قسمت ها بتوانم هرايش خود را عرض کنم قضیه که در شهر واقع شد

(قضیه روز جمعه)

چنانچه اظهار تأسف هم شد يك موضوعی بود که تمام ایرانی هادر تأسف و عدم رضایت شدید .

از این واقعه باهم شريك بوده اند بعد از وقوع این واقعه بلا فاصله فرا کسیون اقلیت تشکیل شد و مذاکراتی در آنجا بعمل آمد و بالاخره در آنجا اینطور صحبت شد که یکی دو نفر اعضاء کمیسیون اقلیت بروند و فوراً رئیس دولت را ملاقات کرده و بایشان بگویند این واقعه که اتفاق افتاده است بقدری فوق العاده و دور از انتظار عموم بوده است

که برای جبران او و تلافی خساراتی که از این راه ممکن است بر هیئت جامعه وارد شود فرا کسیون اقلیت حاضر شده است از حقوق انتقادی خودش در این موقع دست بر داشته و مسئله اقلیت و اکثریت را کنار بگذارد و حاضر است تا روزی که این قضیه ختم نشده است و تا آن اوقاتی که دولت مشغول حل این قضیه است ما مسئله اقلیت و اکثریت را هیچ عنوان نکنیم و با هیئت دولت و اکثریت مجلس با تمام قوا همراهی کنیم تا اینکه دولت بتواند بدون هیچگونه نگرانی و بدون هیچگونه پریشانی خیالی این مسئله مهم را تعقیب بکند و این قضیه را بیک نقطه که اسباب استرضای

خارج و اطمینان داخله باشد برساند این تصمیم را مادر کمیسیون گرفتیم و قبلاً هم باریس محترم مجلس و رؤسای فرا کسیون ها در این موضوع صحبت کردیم و آقای رئیس مجلس هم عرض کردیم که نظر فرا کسیون اقلیت این است آقای رئیس هم تصویب و از این نظر تمجید فرمودند و با حضور ایشان تصمیماتی هم گرفته شد و بمديران جرائد اقلیت هم دستور داده شد که با اتفاق اظهار تأسف

بکنند و در این واقعه خودشان را هم در دوشريك بدانند و در این واقعه که ممکن بود حملاتی بنمایند آنها را بیکلی کنار بگذارند چنانچه آنها هم بنظر قشود يك مقاله باعضای مدیران جرائد اقلیت منتشر شد که آقایان دیدند و لعن او عیناً شبیه بود بمسائلی که عرض شد و در این باب بارشای فرا کسیون ها و افراد فرا کسیون اکثریت صحبت کردیم و گفتیم که از امروز ماهه قسم حاضریم با اکثریت مجلس و با هیئت دولت موافقت کنیم زیرا این واقعه واقعه نیست که اختصاص داشته باشد بیک دسته که يك دسته مسئول باشد و دسته دیگر مسئولیت نداشته باشد این بود تظاهرات اولیه فرا کسیون اقلیت و مطبوعات اقلیت در مقابل این قضیه موله و البته اگر اقدامات اولیه هیئت دولت نبود مقصود ما آنطوری که ترتیب داده شده بود اجرا میشد و شاید حالا میتوانستیم در این قضایا شرکت کنیم و بیش از این میتوانستیم موافق باشیم با عملیات دولت و با کشف این قضیه ولی چنانچه عرض شد اقدامات اولیه دولت بآس اقلیت را فراهم آورد و اقلیت بعد از آن دیگر از آن اعتماد و اطمینان اخلاقی که در تصمیم خودش داشت افتاد آن اقدامات تعرضاتی بود که بلافاصله از طرف مأمورین دولت نسبت با افراد منتسب با اقلیت و نسبت بهم فکرا مابعمل آمد بلا فاصله مدیران جرائد اقلیت را که اینجا متحصن بودند بوسایلی دم درب مجلس خواسته و گرفتند حبس کردند جرائد آنها را توقیف کردند و تعقیبات مستقیمی از افراد اقلیت بعمل آمد حبسها و تبعیدها و قضایائی پیش آمد که ما دیدیم بر فرض هم برویم از تصمیم اقلیت هیئت دولت را مستحضر کنیم حاضر نخواهند بود که این مسئله را حسن تلقی کنند باین واسطه ساکت ماندیم و چنانکه عرض شد اظهار آقای وزیر امور خارجه راجع با اعلان حکومت نظامی هم که بدون سابقه و استیذان از مجلس صورت گرفت بیشتر بر نگرانی اقلیت افزود و بالنتیجه جلو گیری هم از مذاکرات اقلیت بطور فوق العاده بعمل آمد اینها تمام باعث بر این شد که اقلیت خودش را حاضر کرد که اظهارات و عدم رضایتهائی که از اوضاع دارد پشت تریبون بمعرض عامه برساند ما خوشوقت نیستیم در چنین موقعی که دولت در مقابل معترضین خارجه و منتظرین داخله متعهد شده است باینکه طرز خاصی که اسم آن حکومت نظامی است از این قضیه موله تعقیب کند در این موقع ما هم يك اظهاراتی که مبنی بر عدم رضایت است بکنیم .

اگر صدمات و فشارهای وارده بر اقلیت و بر مطبوعات اقلیت و دستگیریها و حبسها و تبعیدها و مظالمی که حقیقه اگر جزه بجزه عرض کنم آقایان متأثر میشوند

اگر این قضایا باین درجه از شدت نبود اگر بعضی از مطبوعات اکثریت بعضی انتشارات بی اساسی نمیدادند اگر مطبوعات

اکثریت از توقیف مطبوعات اقلیت سوء استفاده نمیکردند و يك حملات مستقیمه اقلیت وارد نمی‌آوردند ما تحمل فوق العاده بخرج داده و حتی الامکان يك کلمه هم در این موضوع حاضر نبودیم صحبت کنیم ولی خود آقایان باید تصدیق بفرمایند که يك جمعی نماینده که در اقلیت واقعه حقوقی که بآنها از نقطه نظر استفاده و اعتراض همیشه داده شده است و البته در میان جامعه و ملت طبعاً همیشه يك هوا خواهان افزون و فوق العاده داشته و دارند اگر بنا باشد يك چنین جمعیتی در تحت فشار دولت واقع شود که نتواند لاف از خودش مدافعه بکند و وسائل دفاع را از دست او بگیرند و در عین حال تمام اتهامات را هم باو متوجه بکنند تصدیق بفرمایند که يك چنین جمعیتی و يك چنین اقلیتی اگر از کرسی نطق بیش از آنچه ما امروز استفاده میکنیم استفاده کند هیچ نمیشود باو اعتراض کرد .

بنده تعجب میکنم توقیف کردن مطبوعات اقلیت چه ربطی بکشف قضیه جنایت روز جمعه دارد میگویند جرائد سانسور است بنده میپرسم آیا بلیط سانسور و فشار نظمی تنها متوجه جرائد اقلیت باشد؟

بر فرض سانسور حق است در مقابل قانون اساسی و قانون مطبوعات و آن آزادی که با خون فرزندان ایران در جلوی بهارستان گرفته شده است .

در مقابل تمام این مصائب بر فرض که سانسور حق باشد فقط باید متوجه جرایم اقلیت باشد؟

آیا این رسم عدالت است؟

مطبوعات اقلیت را گرفتند بکشتن متحصن شدند .

بالاخره همه تعرضات و تمام سنگینی های يك دولت بردوش يك جمع ضعیف وارد شد .

در این موقع آیا اکثریت و طرفداران دولت لاف از نیابتی مراعات نذاکت اخلاقی و ادبی را بکنند؟

آیا بایستی از يك طرف روزنامه ها را توقیف کنند و از يك طرف مستقیمانست جنایت بما بدهند؟

من نمیدانم در ایتالیا در موقعی که مظالم مذهبی قیام کرده بود و مردم رازنده زنده میسوزاندند آنروز هم گمان نمی‌کنم اجازه میدادند کشیش های وقت که دست جمعی بدبخت را ببندند و آنها را بسوزانند و در عین حال از فریاد و استغاثه آنها جلو گیری کنند .

لاقل آنها حق داشتند فریاد بزنند حق داشتند استغاثه بکنند حق داشتند برائت بگویند باینکه پروتستانی میباشد ما را در آتش گذاشته اند دستهای ما را بسته اند یا قصد نفر از دوستان ما را گرفته و تبعید کرده اند .

اشخاصی را بجزم تشییع جنازه

عشقی در این موقع استفاده کرده و دستگیر نموده و در حبس تاریک انداخته اند و در این حال زبان ما را بسته اند و علاوه بر این نهم هم به ما می زنند این چیز غریبی است.

اگر حکومت نظامی فوق العاده است وجدان آزادیخواهی کجا رفته است؟ وجدان ما را که از ما نگرفته اند ما که با هم دشمنی نداریم.

قضایائی در این مملکت از ابتداء افتتاح مجلس پیش آمد و واقعاتی بود که غالب آقایان میدانند این واقعات از طرف اقلیت آن آقایانی که از آنروز در حال امتناع ماندند از طرف آنها ایجاد نشد يك فتاکومیلی هائی بود که بالنتیجه يك فشار هائی بر يك عده مردم وارد شد و بالاخره فریاد زدند و در مقابل فشار محیط یار هر چه اسمش را بگذارید مقاومت کردند.

آمدند فریاد کردند و بالاخره سرنیزه خوردند و بعد از آن يك عده نتوانستند شامل اکثریت بشوند. غیر از این بعقیده بنده چیز دیگری نبود.

اگر از روز اول قضاوت کنیم. معاکمه کنیم مطبوعات طرفدار دولت و طرفدار اقلیت را پیش هم بگذاریم خواهیم دید کلیه نوشتهجات خارج از رویه همیشه از طرف اکثریت بوده است و اقلیت بجای اینکه حمله کند به اکثریت همیشه مدافع بوده است.

ما در مطبوعات خودمان دفاع می کردیم ما در خانه خودمان نشسته بودیم و از آمدن آریویلان هم خیلی خوشوقت بودیم.

از ما دعوت کردند ولی چون اتومبیل و درشکه نداشتیم و قلعه مرغی هم دور بود نمیتوانستیم بآنجا برویم.

مانا خوش بودیم نمیخواستیم برویم آنوقت یکدسته روزنامه آزادیخواه رفتن ما را بهانه قرار میدادند و تمام جمعیت و رفقای ما فحش میدادند و بالاخره يك شعله هائی در میان افراد عمومی بر ضد ما روشن کردند.

نمثال هم آمد همینطور موقع پیدا کرده بما حمله کردند ما مجبور بودیم دفاع کنیم.

غالب آقایان شاهدند خود هیئت دولت بهتر میدانند که در تمام این مدت چندین مرتبه آمدند بیغضاتی دادند از طرف هیئت دولت و رئیس دولت و از طرف اقلیت اظهاراتی شد و بالاخره دولت حاضر شد يك قسمت مسائلی که اسباب عدم رضایت و انزجار عمومی است جبران نمایند اقلیت هم حاضر شد يك قسمت ساکت بشود حتی در موقعی اقلیت گفت که من حاضر مدافع دولت باشم ولی در هر مرتبه که نزدیک بود به نتیجه برسیم

يك تبری میآمد و آنرا قطع می کردند چنانچه قضیه قتل عشقی یکی از آن موارد بود پس ما از نقطه نظر انتقاد و حمله هم مقصر نیستیم زیرا ما يك اقلیتی هستیم که نمیخواستیم برای وجاحت خودمان از موقع استفاده کرده و اعتراضاتی که ممکن بوده هر روز به هیئت دولت وارد کرد وارد کنیم هر حمله که بمای شد ما خود داری می کردیم ولی آیا این خودداری ما ممانعت ما ملاحظه ما باید بجائی منجر شود که هیئت دولت بخواهد در مهم ترین و شدیدترین قضایا که در این شهر واقع شده یعنی قتل يك نفر خارجی از این قضیه هم بر ضد اقلیت استفاده کند؟ این مسئله حقیقه قابل تحمل نیست.

هیئت دولت و آقایان اکثریت که بالاخره مسئول نگاهداری و حفظ يك چنین دولتی هستند بایستی گذشته را ببینند آینه را هم به بینند.

دنیا تمام نشده و تمام هم نمیشود. يك سال دو سال سه سال چهار سال هم افکار و عقول عوض نمیشوند و بر نمی گردند بحال قرون وسطی.

پس بالاخره فکریك هوای لطیف ترو فکریك افق تازه دیگر را باید بکنند فکر مجلس ششم و هفتم و فکر پارلمان هائی که در يك افق آزادتر و يك هوای بهتر و روشن تر تنفس خواهند کرد فکر آن روزها را هم باید بکنند و از آن حدودی که حکومت ملی با اکثریت و اقلیت هیئت دولت و سایرین داده است تجاوز نکنند.

حکومت نظامی اعلام میشود صرف نظر از اعتراضات اساسی که باین قانون هست. صرف نظر از اعتراضات قانون که در ماده شش مصرح است.

در قضیه نایب السلطنه در قضیه مقدمه نداشتن قانون در موقعیت آن وقتی که این قانون وضع شده است و تفاوت آنوقت با حالا. صرف نظر از تمام این قسمت ها چه عیب داشت اگر آقای وزیر امور خارجه آن روزی که آمدند پشت تریبون و با يك مقدماتی اعلان حکومت نظامی را اظهار داشتند از مجلس اجازه میخواستند. قانون مقدس اساسی میگوید اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست.

حکومت نظامی تمام اصول مشروطیت را تعطیل می کند و این مسئله خیلی هم ساده و بین است ممکن است در قیام مجلس در مواقعی که يك واقعاتی باعث نبودن مجلس شده است دولت ها يك حکومت های نظامی در نبودن مجلس وضع و يك کارهای خوب بآیدی کرده باشند ولی بآبودن مجلس شورای ملی و بآبودن اکثریت و بآبودن اقلیت و بودن افراد بی طرف که بالاخره قاضی قضایا آنها هستند يك نفر وزیر نمی تواند بیاید در مجلس و حکومت نظامی را اعلان شده. اخطار کند و بدون اینکه از مجلس رای بخواهد برود بیرون.

این يك صلب آزادی است و يتکی

است که بفرق مجلس شورای ملی خورده است این يك سابقه است که برای آینه غیر قابل جبران است زیرا موافق عقیده اکثریت که میگوید این دولت صالح است فرض نمیکند يك حکومت جابری يك روزی بیاید و همین وسیله در پشت همین تریبون بمجلس بگوید من صلاح دانستم حکومت نظامی اعلان شود و مثل کیهن و از دربرود بیرون پس بهتر این بود برای اینکه این سابقه سوء ایجاد نشود آقای وزیر خارجه این طور نمی فرمودند که اینطور صلاح دانستم و اینطور خواستم و اینطور شد مثل آن لوحی که در حدود مصر از زیر کانال سوئز پیدا شد که می گوید شاه داریوش خواست این دودریا بهم متصل شود و شد دولت نباید اینطور تحکم و اینطور امر کند اگر دولت اکثریت دارد چرا از مجلس رای نخواست عرض کردم برای کشف قضیه قتل و پس قنصول دولت هر تمهیدی را میکرد در مقابل خارجه و داخله و هریش نهادی را که می کرد بمجلس میبایستی رای میداد این عقیده شخص خودم است.

آقایان را نمی دانم و برای اینکه کشف شود که این جنایت سیاه تاریخی با کدام دست هائی پیدا شده مانع شواستیم بگوئیم که دولت برای کشف این جنایت فلان تمهید را نکند فرضاً صلاح میدانست حکومت نظامی شود میآمد از مجلس اجازه میخواست اگر اکثریت دارد البته مجلس اجازه می داد.

دولت هم حکومت نظامی را اعلان می کرد اگر هم اجازه نمیداد از حکومت نظامی صرف نظر و وسائل دیگری برای کشف قضیه پیش بینی میکردم مگر دولت قبل از اعلان حکومت نظامی چه می کرد؟

البته نظر آقایان هست مردم را حبس تاریک نموده ۱ میکردند حبس نموده همیشه پر بود از مجوسین.

روزنامه ها را بدون معاکمه توقیف میکردند.

شاید اشخاصی به بزد و کرمان تعبیه میشدند بالاخره آن همیانی که امروز حکومت نظامی بآن مشبث شده است آن عملیات قبل از اعلان حکومت نظامی هم می شد پس ازومی نداشت که دولت بغیال اینکه شاید حکومت نظامی از مجلس رد شود اجازه نخواهد البته بهتر این بود که هیئت دولت از این واقعه موله و از این تصمیمی که گرفته و در عقب آن میرود از این موقع برای مجو کردن اقلیت کمتر از این استفاده می کرد.

انتظار ما این بود که در این مورد مهم چنانچه افراد معتمد اقلیت تصمیم گرفتند که بروند با اکثریت و به هیئت دولت برای کشف این قضیه تسلیم شوند ای کاش هیئت معتمد دولت هم باین وظیفه وجدانی و این حرکت اخلاقی اذعان نموده و ایمان می آوردند

و از این وقایع بر ضد اقلیت سوء استفاده نمی کردند همه آقایان میدانند دوروز بود که يك کمسیون در مجلس تشکیل شدند نمایندگان فرا کسیون ها آمدند در آن کمسیون نشستند نماینده اقلیت هم آمد برای اینکه شاید هیئت محترم اکثریت بعد از آن واردات مؤثله بر اقلیت و بعد از این همه صدماتی که بر ما وارد شد و ما را مصیبتی کرده است حضور ما را در يك مجلسی که مربوط با افراد اکثریت است مقنن شمرده و برای حل قضیه يك قدم بامام هرا می بکنند نه با ما بلکه با محیط و با آن چشم ها و گوش هائی که نگاه می کنند و می شنوند يك قدم با آنها همراهی کنند و کاری بکنند که بالاخره این سابقه سوئی که ایجاد شد یعنی بدون اجازه مجلس حکومت نظامی اعلان شد و هیئت دولت نیامد از مجلس استعفا و استیذان کند اصلاح شود.

در عین حال برای اینکه مجلس با اقلیت مطمئن بدهد که دولت از این وقایع بر ضد اقلیت استفاده سوء نخواهد کرد و بیما مطمئن بدهد که دولت هم فکرها را دستگیر و تبعید نخواهد کرد.

بما مطمئن بدهد که هیئت دولت واقعا و حقیقه می خواهد این قضیه را تحقیق و کشف کند رفتم کمسیون نشستم آقای مشیر الدوله و آقای مستوفی الممالک و سایر آقایان معتمد هم تشریف داشتند حرف زدیم مذاکراتی نمودیم پیشنهاداتی از طرف آقایان بی طرف شد و ما هم قبول کردیم حتی قول دادیم که در این باب چندین اظهار احساسات نکنیم.

قضایا را در پشت این تریبون بگوئیم معذرت امروز صبح که روز نتیجه گرفتن بود بعضی از افراد فرا کسیون های محترم بی اعتنائی کردند و در کمسیون حاضر نشدند و پیشنهادها هم مسکوت و موقوف ماند بالاخره گفته شد که آقایان افراد اقلیت بیایند و حرفهایشان را در مجلس بزنند این بود که بانهايت خودداری که بنده شخصاً داشتم و نمی خواستم در این موقع اجاب زحمت آقایان بشوم لازم دادم که این عرض را به حضور آقایان عرض کنم.

در خانه با هم برای اینکه آقایان نمایندگان و سایر مردم بدانند عرض میکنم که اگر ما روزنامه ندانیم و زبان های ما را در خارج بسته اند این اندازه میتوانیم از خودمان در مجلس دفاع کنیم.

ما صریحاً میگوئیم که اگر میخواستیم اینجا کاملاً از خودمان دفاع کنیم بجائی می رسیدیم.

باز هارانی می رسیدیم که مردم میدانند ولی در مواقع رسمی آن اظهارات گفته نشده.

اگر ما میخواستیم اینجا کمسیون مطبوعات که در محله می گفتند و می

بدیهیم باور افای که نسبت های نامناسب و دروغی بامی دهند می توانستیم بیانییم بشت این تریبون و عین آن کلمات را با اشخاصی که به نسبت داده اند و بمهر کین آنها یرتاب کنیم و دلائلی هم اقامه کنیم که اظهارات ماصحیح است و نسبت های آنها دروغ ولی بازهم خودداری کرده و امید داریم اکثریت محترم مجلس در این قضیه فوق العاده که بواسطه عدم استیذان دولت بفرمانده و اگر گرا راه حلی برای آن هست بفرمانده و اگر هم نیست بفرمانده اما تکلیف خودمان بفرمانده

رئیس - آقای شریعتزاده (اجازه)

شریعتزاده - بنده خیلی مسرور هستم که آقایان نمایندگان محترم اقلیت بکم مسائلی را که در نتیجه تشخیصات خودشان بر خلاف قوانین می دانند مورد اعتراض قرار میدهند برای اینکه مجلس وضع شده است برای حل اختلافاتی که منشأش اختلاف نظر است

ولی امیدوارم همیشه مجلس در نظر داشته باشد که مباحثه در مسائل نظری نباید منتهی بشود بفرج مجلس از احداث مادی و باین علت از آقای ملک الشراء تشکر میکنم که با رعایت این مسئله مطالب خودشان را اظهار فرمودند و همچنین تصدیق خواهند کرد که در توضیح بنده یک تمیزی که مخالف نظر و عقیده ایشان باشد منشأ مخالفت هم همان اختلاف نظر است اظهار فرمودند که اقلیت برای کشف جنایت راجع به قونسول امریک کمال مساعدت را کرده است

البته قطع نظر از اینکه وظایف دار بوده جای تشکر است و همه ما ها غیر از این انتظاری نداشتیم

قسمتی از اظهارات ایشان راجع بود باینکه دولت نسبت به جرائد و منتسبین اقلیت متعاقب اعلان حکومت نظامی تعقیباتی کرده است در صورتی که فرض بکنیم که اعلان حکومت نظامی موقت قانونی داشته است یک حدودی در آن قانون مقرر نشده است که بعد از نمایندگان با استناد آن اعتراض بر عملیات دولت بکنند و قطع نظر از اینکه من هنوز نمیدانم که نسبت با اقلیت و منتسبین آنها تعقیباتی شده است یا خیر و اقامه آنها منتسب با اقلیت هستند یا نه؟

ولی در هر صورت بحث در این موضوع را در مجلس شورای ملی از این نقطه نظر که در قانون حکومت نظامی حدی که مجوز این صنف از اعتراضات باشد نیست بنده هیچ محتاج نمیدانم و ضمن آن خاطر نشان کردند که آقایان نمایندگان اقلیت در صورتیکه نسبت به منتسبین شان خلاف قانونی نباشد حاضر بودند که با دولت در اقداماتی که برای کشف جنایتی که راجع بقونسول

امریکا لازم بود شرکت کنند بنده در این قسمت متفکرم که در یک قضایای قانونی که مربوط با اصول مشروطیت و امنیت عمومی باشد چه طور اگر اقدامات دولت متوجه یکمده از اشخاص نشود آنها میتوانند موافقت بکنند البته شاید آقای ملک الشراء سوء تعبیر کردند و نظرشان جای دیگر بود در هر حال بنده معتقدم که اگر یک اقدامی که نتیجه آن بر له یک نفر یا بر علیه یک عده باشد یا مباشرین آن اقدام طرفدار یکمده باشند این مجوز آن سه نیست که آنها تحمل کنند

آقای ملک الشراء اظهار داشتند که دولت فشار خودش را متوجه جرائد اقلیت کرده است بنده با این قسمت مخالف هستم زیرا بموجب اطلاعات قطعی که رسیده است یک عده از جراید منتسب با اکثریت هم توقیف شده است ...

ملک الشراء - اسم ببرید آقا سید یعقوب شفق سرخ شریعتزاده - مین - شفق سرخ عصر انقلاب فریاد روزنامه های دیگر بنا بر این که دولت در نتیجه اعلان حکومت نظامی و در نتیجه تشخیصاتی که بموجب آن قانون دولت ممنوع از این تشخیص نبوده یک عده از جرائد را توقیف کرده است پس اختصاص دادن عمل دولت بتوقیف جرائد منتسب با اقلیت و اعتراض از این حیث با اکثریت بسا اینکه دولت جراید اکثریت را هم توقیف کرده است مقتضی نخواهد بود یعنی وارد نیست و البته اگر در نتیجه قضاوت مجلس معلوم شود که اعلان حکومت نظامی صحیح نبوده ممکن است تصدیق شود که هر دو غلط است

ولی اگر تصدیق شود و اعلان حکومت نظامی قابل اعتراض نباشد این اعتراض وارد نیست چنانکه بعقیده بنده هم وارد نیست

دیگر اینکه گفتند که آقایان اقلیت متعاقب اعلان حکومت نظامی تعقیباتی کرده است در صورتی که فرض بکنیم که اعلان حکومت نظامی موقت قانونی داشته است یک حدودی در آن قانون مقرر نشده است که بعد از نمایندگان با استناد آن اعتراض بر عملیات دولت بکنند و قطع نظر از اینکه من هنوز نمیدانم که نسبت با اقلیت و منتسبین آنها تعقیباتی شده است یا خیر و اقامه آنها منتسب با اقلیت هستند یا نه؟

ولی در هر صورت بحث در این موضوع را در مجلس شورای ملی از این نقطه نظر که در قانون حکومت نظامی حدی که مجوز این صنف از اعتراضات باشد نیست بنده هیچ محتاج نمیدانم و ضمن آن خاطر نشان کردند که آقایان نمایندگان اقلیت در صورتیکه نسبت به منتسبین شان خلاف قانونی نباشد حاضر بودند که با دولت در اقداماتی که برای کشف جنایتی که راجع بقونسول

ملک الشراء - ملتفت کلمه تمهید نشده باید بعد توضیح بدهم شریعتزاده - و اما اعتراضی که کردند راجع باینکه قانون حکومت نظامی که ممکنست تصور شود قابل اجرا نیست برای اینکه بواسطه وجود ملل و خصوصیات در یک موقعی وضع شده و در آنجا اسم نایب السلطنه نوشته شده است تصور میکنم اگر دقت می فرمودند قانون حکومت نظامی اینجا یک مواد مخصوصی دارد و این قانون که وضع شده است یک قانونی است که نه موقت است و نه هیچیک از امارات و ادله بر موقت بودن دارد و بالاخره یک ماده ندارد که دولت اگر تشخیص داد و وضعیات الزام کرد که اعلان حکومت نظامی بکند از مجلس استعازه بکند

بنده نمی فهم منشأ این تشخیص و دلیل آقای ملک الشراء کدام است یک قانونی در یک موقع وضع شده و در هر موقعی هم که دولت مقتضی میدانسته است و وضعیات ایجاد میکرد است دولت اعلان حکومت نظامی میداده است قسمت دیگر راجع است باینکه وضعیات مقتضی اعلان حکومت نظامی نبوده است بنده با این عقیده مخالفم برای اینکه آقایان خودشان بهتر میدانند که از یک مدتی یک جرایم ارتجایی که آسایش عمومی را تهدید میکرد در کار بود و همین قتل قونسول امریک یا قضایای دیگر که واقع شود بر هر دولتی واجبست که بوسائل ممکنه جلوگیری کند نهایت آن بنده معتقدم که قانون مشروطیت برای این وضع شده است که امنیت و آسایش عمومی مصون باشد و البته اگر قانونی برای تثبیت این اصل وضع شود نمیتوان گفت مخالف با آن اصل است وقتی اعلان حکومت نظامی میشود که امنیت و آسایش عمومی که منتها نتیجه اجرای حکومت ملی و مشروطه است در معرض تعرض واقع شود و تمام دلائلی که خود ما مشاهده کردیم که اهم آن همین قتل ویس قونسول بود و بالاخره جرایماتی دیگری که هر کس در کوچه بجزئی اتهام متهم میشد جان و مالش در معرض خطر بود البته این جرایمات لزوم اعلان حکومت نظامی را ایجاد نمیداد و هیچ قانونی بدون اینکه نتیجه آن مربوط باشد بعظ حقوق جامعه قابل بهرانیست و وقتی هم که بعد از تشخیص اجرا شده است هیچکس حق اعتراضی ندارد البته مجلس ممکن است در نتیجه تشخیصاتی تصدیق بکند که موجبات اعلان حکومت نظامی وجود ندارد و این را مینویسد و از دولت سؤال می کند بعد از آنکه سؤال کرد باینکه ترتیبات دیگری چنانچه آقای وزیر امور خارجه آمده

و بمجلس اطلاع داد از طرف آقایان اقلیت هم حق بود که اگر اعتراضی داشتند بفرمانده و جواب بشنوند ملک الشراء - آقا سید یعقوب بنگداشت شریعتزاده - علی ابراهیل بنده تصور میکنم راجع بموضوع حکومت نظامی و ملل و وجهات موجب حکومت نظامی هیچکس نمیتواند تردید کند برای اینکه آسایش عمومی در معرض تهدید واقع شده بود و آقایان اقلیت که قطعاً علاقه با اصول حکومت ملی و مصونیت امنیت عمومی دارند باین اصل موافق هستند و وقتی که مصونیت امنیت عمومی در معرض مخاطره باشد دولت حق اعلان حکومت نظامی را دارد و ما در سیم هستیم همانطور که فرمودند اگر در قضایای یک مشکلاتی باشد در نتیجه مذاکرات و تبادل نظر در ملل و وجهاتی که ممکن است حق را بیکی از طرفین بدهد یا برعکس قضیه خاتمه پیدا کند

علی ابراهیل عنوان تبعید و دستگیری منتسبین با اقلیت را بنده صحیح نمیدانم زیرا در ضمن تحقیقات و تحقیقات در نتیجه اعلان حکومت نظامی اگر لزوم توقیف یکمده مجوز شده باشد این را نمیتوان بطور خصوصی ناشی از غرض یا ناشی از خصوصیات که مربوط بمخالفت اقلیت باشد تصور کرد و علاوه در قسمت حملاتی که نسبت بجرائد تهران کردند این موضوعی نیست که در مجلس گفتگو بشود البته اگر در جرائد نسبت بشخصی تهمت زده اند و آن شخص نمیدانم ممکن است در حدود قوانین تعقیب کند و این مسئله مجوز گله از اکثریت و گله از دولت نیست و بنده تصور میکنم در این زمینه بیش از این جریان مذاکرات مقتضی نیست و پیشنهاد میکنم لایحه نفت مطرح شود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

بعد از اظهارات آقای حائری زاده و بگفتار دیگر ممکن مذاکرات ختم شود حائری زاده - مذاکراتی که آقای ملک الشراء و آقای شریعتزاده راجع بوضعیت که امروز مملکت بخود گرفته فرمودند آقای شریعتزاده یک جمل جزئی که بعضی مثل آقای ملک الشراء فرموده بودند جواب دارند و اصل قضیه مسکوت عنه ماند در جلسه یکشنبه آقای وزیر خارجه اینجانب عبارت فرمودند که عین عبارت نظر من نیست ولی قریب باین مضامین بود که دولت معنی بمسامحه و مسامحه میکند و تابل قضایای روز جمعه اتفاق افتاد و برای اینکه افتاد از دولت در مقابل مردم معلوم شود اعلان حکومت نظامی داده شد در آن موقع که ما اجازه پیدا نکردیم مطالبی عرض کنیم من این کلمه را که دولت قدرتش را بیک نشان بدهد نمی فهم دولت باید مجری افکار ملت باشد این قضیه را که روز جمعه اتفاق افتاد مربوط بملت نبود که یک نفر

کردن ملت وارد کنند و قدرت بمردم بماند

ملت این مملکت هیچوقت نسبت بملت شریعتزاده - نسبت باتباع خارجه حتی افراد ملی این مملکت حمله نمی کنند تضایح احرار این مملکت عقیده دیانتی این مردم مقتضی است باتباع خارجه یا ملل متنوعه حمله کنند نیست

بدیهی است در همه دنیا یک دسته جهال گامی آلت ملعبه زید و عمر و برای اعمال تراف شخصی و تولید فساد میشوند البته باید آنها را گرفت و مجازات کرد ولی نشان دادن قدرت بملت غلط است من خیال میکنم اکثریت حقش بود این حرف را از وزیر خارجه استیضاح کند و صراحتاً بگوید پس بکیر این حرف غرض رادولت نباید قدرت نشان ملت بدهد دولت باید مجری افکار ملت باشد حالا در موضوع حکومت نظامی

یک تصمیم نامه مجلس دوم راجع بحکومت نظامی صادر کرد مثل اینکه یک تصمیم نامه راجع بقضیه در همان مجلس صادر شد یک تصمیم نامه راجع بشرايط مغایر قرضه و طریقه نقیض قرضه در مجلس معین شد اینها یک قوانین مؤبدی نیست در مجلس دوم در قرضه بدولت اجازه حکومت نظامی داده شد یکی در بیست و یکم ربیع الاول ۱۳۲۸ برای نظامی کردن شهر و خلع سلاح و برای جلوگیری از اتباع معدله میرزا هم یک اختیاری آن روز داده اند در موقعی که محمد علی میرزا حمله کرده بود بشهر دولت در تحت یک مواد معنی اجازه خواسته است برای حکومت نظامی که این هفت هشت ماده است که بیست و دوم رجب ۱۳۲۹ که یکسال بعد از آن قضیه بوده نوشته شده و اختیار تام داده نشده و در تحت این مواد دولت اختیار محدود گرفته است که آن اشاری که بحکومت مشروطه می خواسته اند حمله کنند آنها را سر کوبی کند دیگر در بودن مجلس شورای ملی حکومت نظامی سابقه ندارد و در غیب مجلس حکومتها در تحت یک موادی که بنظر خودشان میرسد اعلان حکومت نظامی میداده اند که آنمورد بحث امروز نیست دولت وقتی که مجلس نیست یک پیش آمدهائی در مملکت میشود و یک اجارائی او را بقضایای غیر قانونی می کشد و آنمورد بحث امروز نیست و باید در ملل خودش صحبت شود و برای اینکه خاطر آقایان مسبق شود که این تصمیم نامه مجلس بوده است نه قانون دائمی

من این موضوعی را که راجع بقرضه از مجلس گذشته عبارات و موادی را میخوانم و اگر این را معتقد شویم که تصمیم نامه حکم قانون دائمی را دارد ممکن است دولت همیشه بآن شرايطی که مجلس معین کرده فرض کند دفعه واحده که نسبت

و در آن شرايط قرضه هم که برای یک دفعه این اجازه را بدولت داده اند این مسئله تصریح ندارد ولی از شاهد کلام معلوم میشود که برای یک دفعه بوده است که بر طبق قانون استقراض مورخه سوم جمادی الاولی ۱۳۲۹ مطابق دوازدهم برج ثور ۱۲۹۰ دولت مجاز است که دو کرو رو نیم قرض کند اگر ما اسمش را قانون دائم و تصویب نامه بگذاریم همیشه در دولتی حق دارد به تکیه کردن باین قانون برود قرض کند ولی این قانون شهادت میدهد که این قانون برای یک دفعه بود و هر دفعه که دولت بخواهد قرض کند باید بیاید از مجلس استعازه کرده آن وقت برود قرض کند و قانون حکومت نظامی مینویسد در بیست و دوم رجب مطابق بیست و هفتم سرطان ۱۳۲۹ که تاریخش هم نزدیک به آن بوده مینویسد از وقتی که اعلان حکومت نظامی شود اموری که راجع با امنیت و آسایش عمومی است با تصویب هیئت وزراء توسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد دولت حق ندارد به تکیه این ماده هر روز اعلان حکومت نظامی بدهد این برای وقت معین و ساعت معین است چرا برای اینکه حکومت نظامی اغلب قوانین مملکتی را فلج میکند ملاحظه بفرمائید موادی را که در ذیل آن نوشته در آنجا مینویسد تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند عدلیه را فلج کرده در موضوع قتل و جنایات وارده که باید محکمه عدلیه رسیدگی کند او را فلج کرده و یک محکمه نظامی تشکیل میدهد که آنها محاکمه میکنند و رأی میدهند و آدم میکشد یک مواد دیگری دارد که من قرائت میکنم و آقایان ببینند که تصمیمی که در آن روز راجع بحکومت نظامی گرفته شده بکلی متباین با وضعیات امروزه مملکتی و برعکس قضیه است ماده چهارم می نویسد اشخاصی که عمل بر ضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم به قتل خواهند بود آن روز بود که محمد علی میرزا برای حمله بحکومت مشروطه آمده بود و جماعتی ممکن بود با او همراه بشوند و برای دفاع از حکومت مشروطه این قانون وضع شد حالا اگر بخواهیم یک اشخاص صالحی را بیاوریم و این قانون را اجرا کنند آن وقت معلوم میشود که چه اشخاصی را باید تیر باران کنند سید فیروز آبادی بدبخت که در حضرت عبدالعظیم بوده است چکار کرده که او را بگیرند و تبعید کنند او را باید تبعید کنند یا همین اشخاص که طرفدار جمهوری بودند و روز دوم حمل سر نیزه به شکم مردم بیچاره که طرفدار حکومت مشروطه بودند زدند عیناً عکس قضیه است

این قانون مال روز معینی است یک تصویب نامه است که مجلس برای تکلیف حکومت آن روز نوشته داده بدست دولت مربوط بامروز نیست اگر دولتی خواسته باشد امروز حکومت نظامی بدهد بایستی از مجلس استعازه کند اما اگر این مواد اجرا شود طرفدار آن اصل هستیم و اگر دولت مواد دیگری اصلاح می داند پیشنهاد کند بمجلس و اجازه بگیرد آن وقت اجرا کند موجبانی که حکومت نظامی امروز لازم دانسته باید دید چیست و باید آن حکومت حواش را صرف آن موضوع کند حکومت نظامی مردم را جلب میکند اجتماعات را منع میکند و میگوید اگر اجتماع کردید با احتمال اینکه ممکن است فساد بشود آنها را جلب میکند اگر از استنطاقات معلوم شود که در قضیه روز جمعه چه اشخاصی شرکت داشته اند آنها را باید بگیرند اعدام کنند مجازات کنند هر چه قانون اجازه میدهد اجرا کنند ولی توی کاری میریزند و تبعید میکنند و حکومت فقط مخالفین خود را تهدید و تعقیب میکند این صحیح نیست اگر مسئله که همه ملت ایران باو علاقه مند است و یک جنایت و یک لکه سیاهی که بدامان ما گذارده شده این را تعقیب میکنند پس چرا مردم را تعقیب میکنند؟ این چه ربعلی بهم دارد سید فیروز آبادی که در حضرت عبدالعظیم زندگانی میکند در میدان مشق بوده ؟ یا در خیابان آقا شیخ هادی بوده ؟ اهالی شاه آباد که تشییع جنازه عشقی را کرده اند آنها در میدان مشق بوده اند یا در چهار راه آقا شیخ هادی بوده اند و قوی یک جنایت یک چیزی نبوده است که خواسته باشند جماعتی را بیاورند استنطاق بکنند و کشف بشود یک چیزی بوده است علنی تماشاچی دوسه هزار نفر بوده است تماشا میکرده است جنایت کار دو سه نفر بوده است معین و معلوم مذاکره شد که مملکت نمایش مرتجعانه داده است و حقیقه بنده هم خیلی متأسف هستم که چرا در رأی تخت مملکت بایستی این قبیل وضعیات پیش بیاید ولی وقتی ملاحظه میکنم میدیدم که یک روزی من را بیاج شاه دعوت کرده بودند برای یک کاری که شبیه به بت پرستی است که شبایل بگردن کنند

آقا سید یعقوب - آن بت پرستی است ؟

مدرس - بله ارتجاع است آقا سید یعقوب - سقا نه ارتجاع نبود ؟

حائری زاده - وقتی کوسفند جلوی می که طرفدار او هستند میکشند رئیس - مختصر کنند حائری زاده - چشم اگر چه حکومت نظامی که این چند روز اعلان شده قریب

چهار سال است که در این مملکت است مدیر روزنامه را تبعید کردند کتک زدند حبس کردند روزنامه را توقیف کردند مال امروز نیست بنده وقتی که از نزد آدمم دیدم مدیر طرفدار را گرفته اند و در آن هوای سرد زمستان دارند می برند اعلان حکومت نظامی هم نبود آقای وزیر خارجه هم در مجلس اظهار نکرد و بنده مطابق هم توقیف میشد در یکی از فوق العاده ها نمی دانم مال کی بود دیدم در سرحواش نوشتند اقلیت چنانچه بیکار در ذیل آن نوشته است آقای مدرس مردم را تحریک و تهیج می کند که بروند بسفارت انگلیس متعصب شوند آقای مدرس مردم را تشییع می کند که بروند بسفارت خیلی هم چسبندگی دارد از یک طرف مطابق اینقدر آزاد است که صاحب امتیاز هم لازم ندارد یک حسن هلی جعفری یک چیزی را مینویسد باطلاع نظمیه میرسد و بطبع میرساند و بهر مطبعه هم بدهد طبع می کند ولی یک جرائدی که نسبت با اقلیت داده می شود و از دولت ناراضی هستند آنها را نمی گذارند طبع شود و سطر سطر در مطبعه سانسور میکنند اینها حساب نیست البته اینها مال امروز و دیروز نیست از چندی پیش که جرائدی بموافقت اقلیت پیدا شده این مسئله در جرایم است و حکومت نظامی است از وقتی که سانسور رسیده آمده است این عملیات جریان دارد سانسور بست که پنج شش ماه است من چندین مرتبه از آقای وزیر جنگ و وزیر داخله سؤال کرده ام که علت سانسور بست را بیا بید جواب بدهید و نیامده اند مال امروز و دیروز نیست که بیایند حکومت نظامی اعلان بکنند او را قش نزد بنده هست بعضی ها مهر جمهوری طلبهای قلابی دارد بعضی شان مهر نظامی دارد تلگراف سانسور است یکی از آقایان و کلاه مغایره حضوری داشت باینکه از نقاط جلو او درمر کر گرفتند و نگذاشتند صحبت کند این قضیه مال امروز نیست مال یکماه پیش است منحصر بر کرم نیست این قضیه در آن موقعی که مردم راجع میکردند امراء لشکر نوی سر مردم میزدند و مردم را برای جمهوری وادار میکردند آقا سید یعقوب تهمت نزنید همه بین نمایندگان تندن اگر میخواهید استیضاح کنید دولت را بخواهید حائری زاده - روزنامه نیست که بتوانم چیزی بنویسم در مجلس شورای ملی هم که نمی گذارند حرف بزنم آقا سید یعقوب یک نفر کشتی تا و کبل شدی

اسهام و ابقیت اسمی خریداری کنند -
بنده اینطور می فهم ممکن است مفهوم عبارت طور دیگر باشد -
مطلب دیگر اینکه میگوید روی اسهامی که برای دولت و اتباع ایران تخصیص داده میشود باید قید شود که اسهام مزبور به تیراز دولت ایران یا اتباع ایران یا صاحب امتیاز با رعایت تقدیمی که ذکر شده بدیگری فروخته و انتقال داده نخواهد شد آتم با هر گونه انتقال و واگذاری حقوق صاحب امتیاز بهر یک از کیانی ها و شرکت های فرجه آنها این ماده را قسمت بقسمت تشریح می کنم و مطالب را عرض میکنم -
مسئله انتقال اسهام همانطور که عرض کردم از نقطه نظر ترقی و تنزل اسهام خیلی قابل اهمیت است و این حدی را که دولت و اتباع ایران تخصیص داده اند باید قید شود که این اسهام بدولتی غیر از دولت ایران واگذار نمی شود -
یکی از آقایان نمایندگان پریروز این قسمت را بنده تذکر دادند شاهزاده محمد ولی میرزاهم حضور داشتند و باینده موافق بودند این مسئله اینطور میرساند که این اسهام فقط رواجش در مملکت ما خواهد بود و در هیچ کجای دیگر قابل خریداری نیست و منحصر است باتباع ایران و اگر بناشود ما این را باینقدر محدود کنیم اتباع ماصرفه نمی برند برای اینکه ممکن است یکی دارای این اسهام بشود و در موقع ترقی نمی تواند باقیمت کزاف بدیگری انتقال دهد -
اساساً این يك نظریه است که خود کیانی متوجه آن بوده زیرا خود دولت آمریکایك کنترل خاصی دارد و آنها را اهم از اقداماتی که در داخله مملکت برای حفرجه میکنند با اقداماتی که برای خارج میکنند حتی الامکان محدود و ملزم میکند که در این مدت بخارجی ها منتقل نکنند آمریکایی ها خودشان این نکته را ملالت شده اند و اصرار دارند اسهامی که در این باب فروخته میشود بدیگری انتقال پیدا نکند -
انگلیس ها هم در مملکت خودشان این کار را می کنند ولی علی ایحال اگر این اقدامات راجع بخودمان بود و يك سرمایه کلی در مملکت بود ضرر نداشت ما هم اینکار را میکردیم و محدود میکردیم که در داخله مملکت معامله کنند بدیگری انتقال ندهند -
ولی متأسفانه در مملکت ما سرمایه کلی نیست و ممکن است یکمده اشخاص پیدا بشوند و يك قسمت کمی از اسهام را بخرند بنابر این وقتیکه بنام محدود و بدیگری فروخته نشد انتفاص و سودی برای اتباع ما نخواهد داشت در اینصورت نباید مسئله را اینقدر محدود کرد که سرمایه و رواج آن منحصر شود فقط بداخله مملکت و در هیچ

جای دیگر نتوانند معامله کنند و آن ماده بیست و چهارم که آقای تدین ذکر کردند آتم توضیح هدین ماده است و اینطور که در این ماده نوشته شده است بکسانی حق میدهد که برخلاف آنچه که منظور نظر ما از عدم تفویض این امتیاز باتباع خارجه است -
مزایا و انتفاصاتی بآنها میدهد ولی از آنطرف خود ما را محدود کرده است و باین تصریحاتی که در این ماده هست از آن مقصود ماحلو گیری نمیکند -
مغیر در اظهاراتی که آقای مشار اعظم فرمودند همانطوریکه خودشان ۳ قسمت کردند بنده هم مطابق سوالشان جواب عرض میکنم -
اولاً باید عرض کنم که این ماده یکی از مواد خیلی مهم و اساسی این امتیازنامه است و اصل مقصود از موضوع این ماده برای این است که بخواسته ایم بهیچ راهی این مزایا و حقوق بدیگری غیر از تبه آمریکا داده شود -
در دوره چهارم و در این دوره تمام توجهات معطوف باین بود که يك ماده ای نوشته شود که تمام مقصود ما از او حاصل شود -
آقای مشار اعظم تردید کردند و گفتند مملکت این مقصود تا این نبود حالا باید دید این تردید ایشان صحیح است یا خیر؟
در دو قسمت اول این ماده که خودشان اشاره فرمودند ذکر شده است که این امتیاز که در تمام مدت آن متعلق بکسانی معتبر و مستقل آمریکائی است و مخصوصاً با آن صارتی که افتاده بود و حالا ضمیمه کرده ایم حاکی است هیچ نوع انتقالی ممکن نیست مگر بطریق ذیل -
این طریق ذیل چیست میخواهم به بینیم که آیا این طریق ذیل آنچیزی را که ما احتراز داریم ممکن می کنند یا بکلی محال -
در قسمت اول که ایشان اعتراض کردند دولت بصاحب امتیاز اجازه میدهد که کیانیهای فرجه مطابق قوانین ایران با قانون دول متفقه آمریکا تشکیل داده و قبل تشکیل کیانی و اینکه در تحت قوانین کدام مملکت تشکیل شده بوزارت فوائد عامه اطلاع دهد -
ولیکن شرط است که صاحب امتیاز کنترل و اداره کردن کیانی یا کیانیها و شرکت های فرجه آنها را در تمام مدت امتیاز تصدی نماید -
آقای مشار اعظم این قسمت را توجه فرموده اند -
این برای کیانی الزام است که کنترل نماید و کنترل هم ممکن نمی شود مگر از راه احاطه و خودش باید متصدی کنترل باشد -

ایشان فقط قسمت اخیر را که راجع بمشاهل و خدمات در ایران بود ملاحظه کرده اند و تفضیه الفاء امتیاز را مربوط به آن قسمت التزامی کرده اند در صورتی که مربوط بآن قسمت نیست -
زیرا اینجا نوشته -
شرکت های فرجه تشکیل بدهد و کنترل را هم در دست خودش نگاهدارد و اگر نگاهدار امتیاز ملغی خواهد شد این يك شرط -
اما شرط ثانی که آقای مشار اعظم بآن اهمیت ندادند یا اگر دادند فرمودند از احاطه متافع کیانی است -
من خیلی تعجب کردم زیرا کیانی با قید الفاء حقوق خود ملزم شده است که در تمام مدت امتیاز کلبه سرمایه و اسهام کیانیها و شرکت های فرجه را مطلقاً خود مالك و متصرف باشد -
این قسمت بخواهی آن مقصودی که منظور نظر ایشان از انتقال این حقوق به تبه غیر آمریکائی است کاملاً تأمین میکند حتی ما تبه خود آمریکا را هم محدود کرده ایم و فقط این حق را برای همین کیانی که طرف ما است و ما امروزه این امتیاز را باو میدهم قائل شده ایم و صاحب امتیاز را ملزم کرده ایم که در تمام مدت امتیاز تمام سرمایه و اسهام را خودش باید مالك و متصرف باشد -
یعنی نمیتواند بیکي از کیانی های فرجه یا سایر شرکت ها سهمی بدهد و تمام مال کیانی خواهد بود و بدیگری حق خرید اسهام را در بازار آمریکا ندارد و اینست که کاملاً آن مقصود آقای مشار اعظم را تأمین اما راجع بقسمت ثانی فرمایششان لازمست جواب سوال قسمت ثالث را بخواهم عرض کنم چون يك تناسبی بین قسمت اول و سوم فرمایششان موجود است -
ایشان ایراد کردند چرا روی اسهام ایرانی قید میشود که این اسهام قابل انتقال نیست مگر باتباع ایرانی و کیانی -
این برای این است که مقصود ما بیشتر تأمین شود و سی درصد خودش يك تناسب بزرگی است که اجازه داده ایم اتباع ایران خریداری کنند ما در اینجا فکر کردیم و دریم ممکن است يك اشخاصی بیایند و بدست ایرانی ها بامامت آنها این اسهام را بخرند آن وقت این مقصودی که ما از آن احتراز میکردیم بدست خودمان نقض بشود باین ملاحظه ما آمدیم و این اسهام را محدود کرده ایم -
اما در آن قسمتی که ما گفته ایم کیانی متقبل است که اسهام خودش را خودش صاحب باشد ما که نمی توانستیم بگویم مسئول اسهام اتباع ایران هم باشد از اینجهت گفتیم که روی اسهام نوشته شود (بقیمت اسمی) برای اینکه هیچ واسطه ایرانی هم نتواند

این اسهام را برای غیر خریداری کند و اگر بخواهد بموجب این قید حق احاطه میشود و برای رعایت این مقصود نه تنها بکسانی صاحب امتیاز را مسئول ملزم کرده ایم که کنترل و اداره کردن تمام کیانی ها بعهده او باشد علاوه بر این او را ملزم کرده ایم که مطلقاً مالك و متصرف تمام سرمایه تمام کیانی های فرجه و شرکت های فرجه باشد و بالاخره با این ترتیبی که او را مقید کرده ایم ممکن نیست از دست ایرانی یا خود کیانی خارج شود باین ملاحظه گمان میکنم اصل مقصود در این ماده حاصل شده و هیچ جای تردید و تکرانی نیست و اظهاراتی که ناطق محترم فرمودند متوجه باین مقصود نبود حالا اگر در اعتراضات دیگر آقایان يك چیز هائی باشد که ما را متوجه کند البته دقت خواهیم کرد و همانطور که عرض کردم ما باین ماده خیلی اهمیت میدهم و کاملاً میخواهیم مقصود ما حاصل شود -
يك قسمت در اعتراضات آقای مشار اعظم بود راجع بقیمت اسمی اسهام و خریداری آن از طرف اتباع ایرانی این را حقیقتاً بنده نفهمیدم برای اینکه در خود ماده مصرح است و اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که این سهام حقیقتاً بآزاد ندارد این سهم وقتی بازار پیدا میکند که خریدار و فروشنده همدی داشته باشد نه يك وقتی که يك کیانی هفتاد درصد از سهام را مطلقاً مالك و متصرف میشود این بازار ندارد نه ترقی میتواند بکند و نه تنزل و این فقط در قسمت سومی راجع بایرانی ها است که ما میتوانیم بگویم که يك بازار محدودی در ایران پیدا کند زیرا بنده مثلاً میفرم و میفرم بدیگری آن وقت ممکن است بنده بعد از شش ماه بعد از يك سال دو سال بیکي از هم وطنان خود بآن قیدی که هست پنج تومان کران تر یا دوتومان ارزان تر بفروشم این مانعی ندارد راجع به خریداری کردن چاره نیست بجز اینکه بقیعت اسمی بخریم و خریدار دیگری هم ندارد يك طرف کیانی است و بیکطرف بقد صدسی دولت باتباع ایرانی است و این صدسی هم باید در سال اول خریداری شود از برای اینکه نمی شود سرمایه که برای کار کردن لازم است بدست طولانی معوق گداورده شود و فروش اسهام برای این است که پول جمع شود و پول بکار بیفتد و در این مسئله غیر از این چاره نیست -
(جمعی گفتند مذاکرات کافی است - بعضی اظهار نمودند کافی نیست)
رئیس - رای میکنیم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند -
(غالب نایبند گان قیام نمودند)
رئیس - رای داده شد بکفایت مذاکرات

اصلاح پیشنهادی شاهزاده شیخ رئیس قرائت میشود -
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در عوض جمله منتقل نباید شود نوشته شود قابل انتقال نیست -
محمد هاشم میرزا
رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)
شیخ رئیس - بنده خیال میکردم این مطلب را که پیشنهاد کرده ام بقدری واضح است که قابل رد نیست ولی چون آقای مغیر شرحی فرمودند بنده عرض می کنم از اول قانون تا آخر همه جا نوشته نباید منتقل شود یا منتقل نکنند و این از اموری است که با اختیار باید بکند آقای تدین فرمودند که اگر کیانی تخلف کرد بنده هم عرض میکنم اینجاها از جاهاتی است که مورد تخلف کیانی نیست زیرا يك وقت ممکن است کیانی که اهل آمریکا است بیک نظریات سیاسی تغییر تابعیت بدهد و نباید فراموش کرد که از سنه ۱۹۱۴ تا کنون خیلی از محلها بوده است که تابع بعضی دولتها بوده و امروز تابع دولت دیگر است و با بالعکس تابع نبوده و امروز تابع شده یا اینکه مستقل نبوده و امروز مستقل شده و این صحت برای پنجاه سال است -
برای امروز که ما مثل آئینه جلو خود بگذاریم و خیال کنیم تا پنجاه سال هیچ تخلف پذیر نیست لهذا بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود قابل انتقال نیست و وقتی تابع آمریکا است انتقال نخواهد یافت تا اثبات تابعیت برای او بشود و اینکه نوشته شده است کیانی آمریکائی آیا لفظ آمریکائی انتساب خواهد داشت بر تابعیت یا نزد او؟ بنده نمیدانم در اینجا لفظ آمریکائی یا ایرانی که گفته می شود فقط انتساب تابعیت خواهد کرد یا اینکه ایرانی است که تابع دولت ایران باشد یا نزد ایرانی باشد و یا آمریکائی باید تابع دولت آمریکا باشد یا از نژاد آمریکائی باشد ظاهر این عبارتی که در آنجا نوشته شده ممکن است بگویند نژاد آمریکائی باشد نه اینکه تبه آمریکا باشد باین جهت بنده لازم میدانم اولاً نوشته شود بکسانی معتبر و مستقل آمریکائی تبه آمریکا و آن قسمت نباید منتقل نماید هم تغییر کند و نوشته شود قابل انتقال نیست و بنده استدعا میکنم آقای مغیر این پنج کلمه را بپذیرند که نه گوششان را درد خواهد آورد و نه خسته میشوند و شاید تا سال دیگر مثل آقای مغیر نباشند که توضیح بدهند که در نسخه فرانسه مقصود اینطور بوده و تصور می کنم ضرری هم نداشته باشد اگر این دو جمله را اضافه کنند و مثل آن روز نشود که برخلاف رائی که کیسیون داده بود برای دادیم و هر چه به آقای مشیرالدوله که گفتیم بنده و بالاخره رای داده شد و امروز

آقای مغیر فرمودند که مقصود همان بوده که در هر دو سال لااقل يك چاه حفر کنند ولی چون رای داده بودیم گذشته بود -
مغیر - اولاً حضرت والا کاملاً مطمئن باشند که بنده خودم را ملزم نمی دانم که فرمایشات ایشان را رد کنم و بالعکس معتقدم که اگر دلایل قوی داشته باشند بپذیرم ولی از خودشان سؤال می کنم آیا (با توضیحی که عرض می کنم) ممکن است فرمایشات ایشان را قبول کرد از برای اینکه می فرمایند به کیانی معتبر آمریکا و مستقل آمریکا متعلق است باید نوشته شود تبه آمریکا -
برای اینکه ممکن است کیانی آمریکائی تبه دولت دیگری باشد -
اولاد خود این قسمت اینطور نیست زیرا وقتی گفته می شود آمریکائی و فرانسه اش گفته می شود آمریکائی مقصود این است منتسب بحکومت و قوانین آن حکومت باشد این یکی ثانیاً در يك قدری باین تر نوشته که يك باینچین کیانی یا شرکت های فرجه در تحت قوانین ایران و یا در تحت قوانین یکی از ممالک با قیام دولت متقدم آمریکا تشکیل داده -
و این جمله گمان می کنم شامل يك کیانی که تبه غیر آن دولت باشد بشود ولی آمریکائی تبه دولت دیگری باشد ممکن است ولی مایک کیانی امتیاز می دهیم که مللادر تحت حکومت و قوانین دلاوار تشکیل شده باشد (چنانچه همین کیانی که ما باو امتیاز می دهیم در تحت قوانین دلاوار است) و تصور می کنم کیانی که در تحت قوانین آنجا تشکیل شود آیا ممکن است تبه آلمان یا انگلیس از آب درآید یا باینحال باز بنده هیچ مانعی نمی بینم که احتیاط بکنم و توضیح بدهم ولی خودتان اگر دقت بفرمائید تصدیق خواهید فرمود تا اندازه که تصوری فرمائید این اعتراض وارد است و ارد نیست و راجع بقسمت ثانی هم یعنی راجع بانقلاب بنده فرمایش آقای تدین را تأیید می کنم ولی با این حال از برای اینکه حضرت والا و افانسان تلخ شود چون بنظر بنده با اصلاح عبارتی فرانسه فرق نمیکند آترامی پذیرم -
رئیس - ایشان فقط يك اصلاح بالفعل پیشنهاد کردند -
مغیر - بنده قسمت اول اصلاح ایشان را کتونه شده شود قابل انتقال نیست قبول کردم -
راجع بقیمت دوم آن را موکول برای مجلس میکنم -
رئیس - قسمت دوم هنوز قرائت نشده -
مغیر - چون اظهار کردند بنده هم جواب عرض نمودم حالا آن قسمتی را که پیش نهاد کردند و بنده هم قبول کردم مقرر بفرمائید قرائت شود -
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در عوض جمله منتقل نباید بشود نوشته شود قابل انتقال نیست

رئیس - این زامی پذیرد
مغیر - بلی
رئیس - اصلاح دیگر قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم در این جمله اضافه شود کیانی معتبر و مستقل آمریکائی تبه آمریکا
محمد هاشم میرزا
رئیس - توضیحش را که دادید
شیخ رئیس - بلی اگر اجازه بفرمائید باز هم توضیح بدهم
رئیس باز اگر توضیح بدهید همان فرمایشات را خواهید فرمود
آقای آتشلیخ محمد علی طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمد علی - عرض ندارم رئیس رای می گیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد دومی آقای شیخ رئیس -
اولی را که آقای مغیر قبول کردند -
آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند -
(عد، قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای قائم مقام
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم لفظ معتبر از سطر اول برداشته شود
رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)
قائم مقام - بنده پیشنهاد کرده ام و ظاهر آن هر دو کلمه است ولی چون گفته اند مذاکرات کافی است و بنده اجازه ندادند خواستم در ضمن عرض خود را بکنم
این لفظ معتبر را بنده میخواستم از آقای مغیر سؤال کنم که من باب عنوان و القاب اینجا نوشته اند یا ملاحظه سیاسی و اقتصادی را کرده این لفظ معتبر چه اهمیت دارد و اگر آقای مغیر توضیح بدهند ممکن است بنده پس بگویم
مغیر - خواستن این توضیح از من بعقیده بنده صحیح نبود از برای اینکه کیسیون اگر يك لفظی را نوشته اند از برای این بوده است که بآن لفظ يك اطلاع منتهی کرده اند و خواسته اند يك ترتیب اثری بآن داده باشند
قائم مقام - پس می گیرم
رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول و ماده ۱۱ اینطور اصلاح شود - (این اختیار که بارعایت شرایط مربوطه در تمام مدت آن الهی آخر)
رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
ارباب کیخسرو - اینجا قسمت اول را طوری نوشته اند که معتدل است در آتیه يك اشکالی ایجاد کند اگر چه خیلی از ما مردم منتقل نباید بشود نوشته شود قابل انتقال نیست

برای موارد الفاء آمده است یا وجود این بنده هیچ لازم نمی بینم قانون طوری نوشته شود که دچار حتمتانی بشویم خصوصاً وقتی که ما بایک کیانی های بزرگ خارجی ماطرف هستیم
باید رعایت تمام نکات را بکنیم اینجا در ماده ۱۱ نوشته این اختیار که در تمام مدت آن بکسانی معتبر و مستقل آمریکائی متعلق است
اینجا قطع کرده تعلق را بنده میگویم ذکر شود تعلق با رعایت شرایط مذکور یعنی این شرایط که در این ماده بامداد دیگر هست بآن شرایط متعلق است نه اینکه بطور قطع تعلق دارد
رئیس - عقیده مغیر چیست؟
مغیر - البته آقای ارباب يك احتیاطی را می خواهند رعایت کنند و بنده نظریه آقایان اعضاء کیسیون را نمیدانم و هر چند نگاه میکنم بعضی از آقایان با اشاره اینطور می فهمم که این احتیاط را زائد میدانند برای اینکه مسلم است امتیاز بدون رعایت شرایط مقرر در ۲۸ ماده ممکن نیست متعلق بکسانی باشد این اظهاری که اینجا شده بطور بدوی از برای این است که گفته شد باشد کیانی هیچوقت در هیچ موقعی غیر ممکن است غیر آمریکائی بشود نه اینکه ما امروز بکسانی آمریکائی میدهم و پس از پنج سال تاده سال دیگر تغییر تابعیت بدهد یا اینکه يك حلی بکند که تغییر تابعیت او در ضمن حاصل بشود و راجع به این قسمت باین نظر بوده حالا بنده و اگذار می کنم برای مجلس
رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای مغیر می باشد
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۱ بعد از دول متفقه آمریکا (که از اتباع ایران با آمریکا باشد) اضافه شود هر مزی - (اجازه می فرمایند)
رئیس - بفرمائید
هر مزی - بنده در این ماده اشکالی کرده بودم راجع بیکله (بکر) و این مگر میرساند که با شرایط ذیل ممکن است کیانی یا اشخاص خارجی این امتیاز را واگذار کنند و قیل از اینکه عرض کنم در خارج با اعضاء کیسیون و مخصوصاً شاهزاده نصرت الدوله عرض کردم در این خصوص و آقای تدین در این مورد کردم در این خصوص و تادری هم تصدیق فرمودند که این کلمه زائد است و باید هوش شود
و آن اظهاری را هم که آقای سردار معظم فرمودند باز بودن کلمه مگر میرساند که با این شرایط میشود امتیاز باتباع خارجه جز آمریکائی داده شود این قیمتی

را که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند که با آن کلمه مالکیت این مسئله را رد می کنند

ما که نمیدانیم سینکس و شرکایش تمام اتباع آمریکا هستند یا خیر

ممکن است در بین شرکاه سینکس اشخاصی باشند که اتباع دول دیگر باشند و آن وقت این حق را ساقط کرده ایم و اگر یک کلمه اینجا اضافه شود تصور می کنیم خوب است

مخبر - بنده اصلاح این اصلاح را خوب ملتفت نشدم که مقصودشان چیست ؟

آقا میرزا شهاب الدین - بعد از کلمه متفق علاوه شود که از اتباع ایران یا آمریکا باشد

مخبر - در کدام قسمت

رئیس - در سطر پنج

مخبر - یا در تحت قوانین یکی از ممالک یا قطعات دول متفق آمریکان تشکیل داده شود

هرمزی - که از اتباع ایران یا آمریکا باشد

مخبر - این اعتراضی وارد نیست برای اینکه بعد از اصلاحی که در ترجمه آن شده اشکال حضرت والا رفع می کند من خودم ابتدا تصدیق داشتم ولی پس از اصلاح آن اگر دقت بفرمائید رفع اشکال ایشان میشود

زیرا جمله اول بکلی انتقال امتیاز را بدولت و اتباع خارجه منع میکند باز هم جمله دیگری از علاوه شروع میشود و می نویسد و علاوه این امتیاز را به هیچکس و به هیچ شکلی نمیتوان انتقال داد مگر بطریق ذیل علاوه یعنی بهیچ شکل دیگر هم به هیچ کسی انتقال داده نمی شود مگر بطریق ذیل

رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(همه ممدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از عبارت یا شرکت های فرعی جمله ایرانی یا آمریکائی مستقل اضافه شود

رئیس - تقریباً همان پیشنهادی است که رد شد

آقای مخبر چه میگویند

مخبر - این هم صورت همان پیشنهاد را دارد و اگر گذار میکنم برای مجلس

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب الدین - چون توضیحاتی که آقای مخبر در جواب آقای مشار اعظم دادند بنده رامتقاه نکرد و توضیحات ایشان بیشتر بنده را اواردار کرد که این پیشنهاد را بکنم و گمان میکنم که اضافه شدن اینجمله ایرانی یا آمریکائی مستقل ضرری نداشته

باشد و از بعضی محظوراتی هم که اغلب آقایان را قرا گرفته است راحت می شوند و آقایان را از خیال خارج می کند

رئیس - رای میگیریم

امیراحشام - مجدداً قرائت شود (دومرتبه بشرح گذشته قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(همه قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد پیشنهاد آقای سردار معظم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

در باب آخر ماده یازده پیشنهاد ذیل تقدیم میشود

جمله نامیزان سی در صد از سهام مزبوره را بقیمتی که بیش از قیمت رسمی (قیمت معیه روی سهام) نباشد خریداری نمایند

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - اگرچه آقای مخبر در ضمن جواب آقای مشار اعظم فرمودند که چون این سهام در معرض خرید و فروش گذارده نخواهد شد و بازار معامله ندارد لهذا لزومی ندارد

بنده با این نظر آقای مخبر موافق نیستم ببنیم مقصود از این ماده چیست ؟ مقصود از این ماده اینست که کمیانی یا صاحبان سهام ایرانی می خواهد مساعدتی کند و اگر سهم یکصد دلاری صد و پنج دلار قیمت پیدا کرد از ایرانی ها همان صد دلار بگیرد و اگر ما فرض این مساعدت را بکنیم باید طرف دیگر معامله را هم تصور کنیم چون ممکنست قیمت قطعی سهام و قیمت بازاری و خرید و فروشش کمتر از صد دلار باشد

پس بنابراین یا میل مساعدت کردن به ایرانی ها یا برای آنها الزامی قائل به شویم زیرا اگر حقیقتاً بنده میتوانم سهم صد دلاری را در آمریکا نبود و پنج دلار بخرم چه علتی دارد که در این ماده ملزم بشوم که صد دلار بخرم پس عبارت باید طوری نوشته شود که این نظریه بنده تأمین شود و ما را مجبور بگران خریدن نکند از این جهت پیشنهاد کردم که جمعاً نامیزان سی درصد از سهام مزبوره را بقیمتی که بیش از قیمت اسمی یعنی قیمت معیه روی سهام نباشد خریداری نمایند و این اصلاح عبارت را کاملاً آق مقصود بنده تأمین خواهد شد

اما اینکه آقای مخبر می فرمایند که این سهام معرض خرید و فروش پیدا خواهد کرد بنده درست ضد این عقیده را دارم و عرض می کنم هیچ سهامی پیدا نخواهد شد که قیمت بازاری پیدا بکنند و در معرض خرید و فروش در بیاید

ایشان نمیتوانند این اطمینان را بدهند و اطمینان ایشان هم برای تأمین نظریه من

کافی نیست و بنده مجبورم این جمله را هم عرض کنم این ماده دوم خیلی مهم است از ظهر هم یکساعت گذشته و طرز رای دادن هم یک طور دیگر شده

از طرف دیگر بدبختانه در این امتیاز چون تقاضای فوریت شده یک شور میشود در صورتی که بنده معتقد هستم که هر چه بیشتر در اطراف مطالب دقت شود بهتر است

پس عقیده بنده اینست که آقای مخبر این ماده را مراجعه بدهند بکمسیون و در اینجا این اعتراضاتش را دقت کنند بعد یک ماده منتهی بیاورند بمجلس

مخبر - بنده خود هم در اول وهله عرض کردم این ماده خیلی ماده مهمیست و اطمینان می دهم بمجرب اینکه یک اعتراض واردی بینیم بغوریت خود من ارجاع بکمسیون را تقاضا میکنم ولیکن متأسفانه اعتراض همکار محترم من مثل اعتراضیست که تا حالا شده

بنده حالا یک توضیحی میدهم و این توضیح مانع از این نیست که با نظریه ایشان موافقت بشود ولی بطور ارجاع بکمسیون

حالا چون وقت گذشته اگر بخواهند اطمینان داشته باشند و فرصت داشته باشند که در خارج از آقایان اعضاء کمسیون توضیحاتی بخواهند بنده حرفی ندارم ولی خود بنده ارجاع بکمسیون را نمی توانم تقاضا کنم و این قسمت در کمسیون مطرح شود خود آقای مشیرالدوله در کمسیون تشریف داشتند و در این خصوص در آنجا بحث شد و همین عبارت که بقلم یکی از همکارهایش نهاد شده بود رد شد و بنده بازم عرض می کنم که این سهام بازار ندارد و این اطمینانی را که آقای سردار معظم دارند این اطمینان صحیح نیست چرا از برای اینکه ما می خواهیم هفتاد درصد از سهام متعلق به کمیانی سینکس که صاحب امتیاز است باشد و مطلقاً مالک و متصرف خود کمیانی باشد و سی درصد متعلق بایرانی ها پس این چه طور بازار پیدا می کند؟

مگر اینکه بگوئیم مابین شرکاء بازار پیدا می کند و این هم این طور نیست که بتوان جلوگیری کرد زیرا اگر یک چیزی بازار پیدا کرد نمی شود محدودش کرد برای اینکه وقتی رفت بی بازار آنجا همه میفرمایند مگر این که روی آن سهم همان طوری که در سهام ایرانی نوشته شده نوشته شود این سهم قابل خریداری نیست مگر بدست و توسط شرکاء فعلی کمیانی سینکس

ما توضیحی از نماینده کمیانی سینکس خواستیم و آن این بود که وقتی این سهام بازار پیدا نکند چطور این سهام خرید و فروش می شود

حالا عرض می کنم یک کمیانی مثلاً با صد هزار دلار سرمایه تشکیل می شود

آتوقت سی درصد این سرمایه را بدولت ایران و اتباع ایرانی تکلیف خواهد کرد که بصندوق آن کمیانی تازه تشکیل شده سرمایه خود را بپردازند یعنی سی هزار دلار از آن سهام را برای مدت یکسال باید خریداری کنند و مدتش هم محدود است که در ظرف این مدت این پول باید تهیه و داده شود و اگر دولت و اتباع ایرانی تهیه نکردند خود کمیانی آن سهام را می خرد و پولش را می دهد و این را هم غیر از آن قیمت اسمی که لازماً اینست تا صد هزار دلار سرمایه جمع بکنیم اصلاً طور دیگری نمیشود تعیین کرد

در یک موافقی ممکنست سابقه هم دارد

کمیانی ها سهامی چاپ می کنند آتوقت آنرا بقیمت کمتر خرید و فروش می کنند از نقطه نظریک تسهیلاتی مخصوصاً برای اینکه این جمله اخیری که ملاحظه می فرمائید بعد از آنکه آن پیشنهادی که مثل پیشنهاد آقای سردار معظم بود در کمسیون شد این جمله اضافه شد (و مقرر است صاحب امتیاز هم قسمت سهام خود را بهمان قیمت خریداری نماید) یعنی بهمان قیمت اسمی

ما خواستیم که کمیانی هفتاد درصد خودش را مبادا بقیمت کمتر از قیمت اسمی پول در صندوق بگذارد و این باعث یک ضرری برای ما بشود که در حقیقت آن صد هزار دلار را هفتاد هزار دلارش را کمیانی بدهد ولی هزار دلارش را هم ما بدهیم

با این ترتیب عرض کردم این پیشنهاد را بنده نمی توانم قبول کنم و آن قسمت اخیری هم که ایشان اظهار فرمودند بدون اینکه ارجاع بکمسیون شود ممکنست بماند برای جلسه آتی

که آقای سردار معظم در جلسه روز شنبه تشریف بیاورند بکمسیون و با اعضاء کمسیون مشاوری بفرمایند و بنده با این ترتیب مخالفت ندارم

رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای سردار معظم

آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

(یک نفر از نمایندگان خوبست جلسه را ختم کنیم)

رئیس ممکنست پیشنهاد بفرمائید

هشت فقره پیشنهاد دیگر مانده است

(پیشنهاد آقای شیروانی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده اصلاحات ذیل ر پیشنهاد می کنم

اول - در سطر چهارم نوشته شود (فقط در تحت قوانین ایران)

دوم - در صفحه نه سطر پنجم نوشته شود در مدت سه سال و نیز در همانجا تاریخ

اختیار معلوم شود

سوم - قسمت انحصار سهام ایران و کمیانی اصلاح گردد که ایران هم در بورس دنیا شرکت نماید

رئیس - (خطاب بشیروانی) فقط در قسمت اول توضیحات بدهید

(جمعی گفتند جلسه ختم شود)

رئیس - پیش نهاد ختم جلسه از طرف آقای حاج میرزا عبدالوهاب شده است

رای میگیریم آقایانی که پیش نهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

جلسه آتی روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر

دستور هم لایحه نفت

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

موتمن الملك

منشی معظم السلطان

شهاب

جلسه ۴۱

صورت مشروح

مجلس یوم یکشنبه ۵

اسد ۱۳۰۳ مطابق ۲۴

ذی حجه ۱۳۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه دوم اسد را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - لایحه نفت از ماده ۱۱ مطرح است آقای معتمد ولی میرزا (اجازه)

معتمد ولی میرزا - مدتی است لایحه کمسیون بودجه تقدیم شده است راجع بپرداخت یکصد و ازدهم بودجه سال قبل برای برج سرطان از بابت حقوق ادارات و بنده تصور میکنم اخیر تصویب این لایحه اسباب زحمت و اشکالاتی بین وزارت مالیه و ادارات خواهد شد اینست که تقاضا دارم مطرح شود (و چندان هم مذاکرانی لازم ندارد) و تکلیف آن معین شود

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده میخواستم عرض کنم که این لایحه بماند برای آخر جلسه

رئیس - میفرمائید در آخر جلسه مطرح شود ؟

(جمعی از نمایندگان بلی)

رئیس - مخبر کمسیون نفت حاضر نیستند ؟

رئیس التجار - آقای سهام السلطان روز قبل هم مدافع بودند

رئیس چون ممکن است از طرف کمسیون اعتراض شود اینست که عرض